

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه هشتاد و چهارم تاریخ: ۸۸/۱/۲۲
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم الانبياء و المرسلين سيدنا و نبينا أبي القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقيه الله في الارضين واللعن على أعدائهم أجمعين.

یکی از مباحثی که در جهاد لازم است مطرح شود این است که دشمنان اسلان فکر کردند که اسلام دینی است که بر خلاف صلاح و مسالمت قدم بر می دارد و اسلام را یک دین خشنی معرفی کردند. وقتی که اسلام را می خواهند نشان دهند چند نفر شمشیر به دست به افرادی حمله می کنند و می گویند: یا مسلمان شوید یا با این شمشیر شما را می کشیم. از این قبیل تعبیرات زیاد وجود دارد. ما به مناسبت بحث جهاد می خواهیم عرض کنیم که جهاد یک ضرورتی است از نظر اسلام که فطرت انسان هم آن را می پسندد حتی در عالم حیوانات حیواناتی که حس کنند زندگی آنها در خطر است از خودشان دفاع می کنند و حق دفاع دارند. اسلام [ادعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ] دعوت خود را بر اساس حکمت و موعظه و منطق و استدلال و مناظره قرار داده. اما اگر دشمنان در برابر اسلام عداوتی به خرج دهند بله اسلام منطقی در برابر عداوت و ضربه و قیام و دشمنی جهاد است. اولین بحث امروز ما این است که اسلام زندگی بشر را بر اساس صلح و مسالمت قرار می دهد. زندگی مسالمت آمیز زیر بنای زندگی انسان هاست از دیدگاه اسلام. دلیل این مطلب زیاد است؛ اولاً این آیاتی که در سوره انفال است. در سوره ی انفال از آیه 59 تا 61 به این ترتیب است. [وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِيَّاهُمْ لَا يُعْجِزُونَ] افراد کافر فکر نکنند که آنها پیش افتاده اند آنها هرگز نمی توانند خدا را عاجز کنند و فکر نکنند که از زیر سیطره پروردگار خارج شدند، نه آنها هرگز نمی توانند خدا را عاجز کنند. در جای دیگر است [وَأَعْلَمُوا أَنكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ] بدانید که شما هرگز نمی توانید خدا را عاجز کنید. خدا به شما مهلتی می دهد. اینجا هم [لَا يُعْجِزُونَ] مثل [أَنكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ] است. این آیه 59 سوره است. حالا آیه بعدش [وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ] این آیه را زیاد خواندیم و می دانیم که ترغیب و تأکید بر اینکه از لحاظ تجهیزات باید در حد بالای باشید که [تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ] در این آیه "قوه" هم یعنی رمی. پیغمبر ﷺ فرمودند «الا ان القوة هي الرمي» آنچه

که وسیله پرتاب کردن است که در جنگ ها نقش مهمی همان پرتاب کردن دارد. [وَأَخْرَجَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ] غیر از عدوی که در نظر تان است شما دشمنانی دارید که خودتان نمی دانید. [اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ] در جهاد هزینه و بودجه هم لازم است. [يُوفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ]. آیه بعد [وَأِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا] اگر دشمن از راه سلم آمد شما هم سلم را قبول کنید بنابراین اولین اساس آن سلم است. ما با شما دعوایی نداریم ما منطق خودمان را بیان می کنیم. [وَأَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ] بنابراین زیربنای زندگی و اجتماع را اسلام سلم و صلح معرفی می کند. ولی در موقع خودش هم «آخر الدواء الكي» جهاد یک امر فطری است و در جای خود لازم است. این یک دلیل است که از آیات 59 تا 61 سوره ی انفال سوره ی هشتم قرآن استفاده کردیم. انواع جهاد و اهداف جهاد را ما بعد از این بحث عرض می کنیم.

ما در بحث فقهی درباره جهاد در سوره ی ممتحنه بحث کردیم. [لَا يَتَّخِذُ اللَّهُ مِنَ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَلَا يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ] خداوند نسبت به کسانی که شما را از خانه هایتان اخراج نکردند و با شما برخورد عداوت آمیزی نداشتند [أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ] نمی از نیکی نمی کند بلکه به آنها نیکی کنید. [إِنَّمَا يَتَّخِذُ اللَّهُ مِنَ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ] بلکه کسانی که در دین با شما قتال کردند و از خانه هایتان بیرون تان کردند با آنها دوستی نکنید. منطق اسلام این است. هیچ گاه اسلام با شمشیر پیش نرفته. هیچ گاه اسلام نگفته به کسی حتی کفار بدی کنید. ابتدائاً بحث امروز این است که فکر نکنند که زیربنای اجتماع در اسلام برخورد با شمشیر است. نه خیر زیربنای صلح و مسالمت است. از طرفی هم که اسلام می گوید باید خیلی مجهز باشید به اندازه ای که قدرت دارید این هم سلاح صلح است. چون اگر مسلح نباشیم دشمن می آید و آدم را می کشد. الان ایران از این جهت سالم مانده چون خیلی مجهز است. دشمنان به افغانستان و عراق حمله می کنند ولی به ایران نمی توانند حمله کنند. یکی از راه های صلح همین است. اگر انسان خودش را قوی کند دیگر دشمن هم نمی تواند حمله کند. پس این یک واکنش سریعی است که اسلام می خواهد که در مقابل قوت شما صلح به وجود بیاید. اگر شما قوی نباشید دشمن به شما حمله می کند و درگیری و کشتار به وجود می آید. اما [أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ] قوی باشید. آیات و مطالب مربوط به جهاد را باید با دقت بررسی کرد به نظر بنده خیلی از جاها

اسلام دفع نه رفع طوری کرده که جنگی به وجود نیاید. یکی از راه ها همین است که شما خود را تقویت کنید.

در نهج البلاغه نامه ی 53 که نامه ایست به مالک اشتر در اولش حضرت امیر علیه السلام مالک اشتر را مأمور می کند برای اداره ی کشور مصر و چهار چیز را سرلوحه ی کارش قرار می دهد. «جَبَايَةَ خَرَاجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ اَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا» این سرلوحه ی کار هر مدیر اسلامی است. اول مسئله مادی و اقتصادی «جَبَايَةَ خَرَاجِهَا»، دوم دور کردن دشمن از حوزه های اسلامی «جِهَادَ عَدُوِّهَا»، سوم تعلیم و تربیت طوری باشد که همه ی افراد صالح و شایسته بار بیابند «اسْتِصْلَاحَ اَهْلِهَا»، چهارم «عِمَارَةَ بِلَادِهَا». نامه ی 53 بسیار جامع و مطالب فراوانی دارد. یکی از مطالبی که حضرت به مالک اشتر فرمودند «وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ اِلَيْهِ عَدُوُّكَ» هر گاه دشمن از راه صلح جلو آمد شما هم از راه صلح جلو بروید صلح را دفع نکن. «وَلِلَّهِ فِيهِ رِضًا فَيَا فِى الصُّلْحِ دَعَا لِيُجُودَكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ اَمْنًا لِبِلَادِكَ» علتش را هم بیان می کند. در صلح سه چیز است؛ اول اینکه لشکر در استراحت و آسایش است «دَعَا لِيُجُودَكَ»، دوم تو خودت هم راحتی چون جنگ احتیاج فراوانی به فکر و زحمت و تلاش دارد. «رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ»، سوم «اَمْنًا لِبِلَادِكَ» اینکه جنگ مستلزم خرابی و تخریب است. ولی در صلح شهرها در امنیتند. «وَلَكِنْ اَلْحَذَرُ كُلُّ اَلْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صُلْحِهِ» حضرت به مالک اشتر فرمودند برترس - ترسیدن خیلی شدید - که گاهی دشمن از راه صلح وارد می شود پیمان هم ممکن است منعقد شود و شما فکر کنید که صلح به وجود آمده ولی در زیر نقاب صلح دشمن دارد خودش را تقویت می کند و آلات و تجهیزات تهیه می کند تا نفسی بکشد بعد به شما حمله کند. از این جهت از لحاظ مآل بینی و بیداری از دشمن حذر کن. «فَيَا فِى اَلْعَدُوِّ رَيْبًا قَارِبَ لِيَتَغَفَّلَ» گاهی دشمن نزدیک می آید تا شما را غافل کند «فَيَحْذُ بِالْحَزْمِ» بنابراین آن حزم و احتیاط را همیشه در نظر داشته باشید. «وَ اَتَاهُمْ فِى ذَلِكِ حُسْنُ الظَّنِّ» حسن ظن را متهم بدان و خوش گمان نباش. بلکه همیشه آن احتیاط و مآل بینی را در نظر داشته باش.

ما با توفیق پروردگار چون بحث جامع الاطراف در جهاد انجام می دهیم وارد اقسام و اهداف جهاد می شویم. ما از راه اهداف جهاد که در کتاب الله است اقسام جهاد را هم به دست می آوریم. فقهاء ما فقط سه نوع از جهاد را گفتند ولی به نظر ما خیلی وسیع تر از این است. اول دعوت به اسلام، دوم دفاع، سوم بغاوت کسانی که در برابر حاکم اسلامی و امام ایستادگی می کنند. ولی به نظر ما بیش از اینهاست که به عرض می رسانیم. قبل از اینکه وارد بحث شویم مطلبی بود که می خواستم عرض

کنم. این بود که آقای رحیم پور ازغدی که شبهای شنبه بیشتر در تلویزیون صحبت می کنند و چون از لحاظ بیان و صحبت اطلاعاتشان خوب است جمعیت زیادی را جمع کردند ولی علیه حوزه زیاد از ایشان می شنوم و راهی هم ندارم که به ایشان برسجام. دیشب که صحبت می کردند در یزد هم صحبت می کردند و در صحبت هایشان علما را می کوبند و حوزه را می کوبند. خیلی از ایشان ناراحت هستم. گفت که دوپست سال است که علما اصلاً کاری برای اسلام نکردند. خیلی شدید حمله کرد به حوزه ها و علماء. جمع هم همه علماء بودند بعد یک پیرمردی بلند شد و گفت چرا این حرف را می زنی علماء خدمت های زیادی کردند انقلاب و ... بعد او تشر زد که بنشین من هر چه می گویم از قول امام می گویم. یک شب دیگر صحبت می کرد که اجتهاد یعنی "استفراغ و سع" چند قرن است که ما در حوزه ها استفراغ و سع نداریم. اصلاً شما چه کار دارید که در حوزه ها دخالت می کنید؟! گفت چند قرن است که در حوزه ها دیگر اجتهاد نیست و عجیب است واقعاً. و شبی دیگر می گفت که علما با حکومت اسلامی مخالفند فقط امام بود که قیام کرد. چون بنده خیلی ناراحت بودم خواستم که به شما گفته باشم.

خلاصه عرض کنم خدمت محترم که ما اقسام جهاد را از اهداف جهاد از مطالبی که در کتاب الله تعالی و روایات ما ذکر شده استنباط و استخراج می کنیم که ببینیم چند نوع است. یک نفر نیست که به این آقا بگوید این شیخ فضل الله نوری یا مدرس چرا شهید شدند؟ این قیام ها، جریان تنباکو، جریان مشروطه اینها چه بوده که ۲۰۰ سال است که هیچ حرکتی از آنها به وجود نیامده. من تعجب می کنم از اینکه تلویزیونی که برای همه پخش می شود یک نفر این طور درباره ی علما و حوزه صحبت می کند. شبی دیگر درباره ی حقوق زنان صحبت می کرد. بعد یک نفر گفت که علما و فقها می گویند که جای ورزش زنان و مردان باید از هم جدا باشد. حتی راه ورود و خروجشان جدا باشد. بعد به جای اینکه به نفع دین جواب بدهد لبخندی زد و گذشت و جواب نداد. مثلاً در کتاب "شهید الفضیله" که مال علامه امینی است. این کتاب جزء کتاب هایی بوده که قبلاً مطالعه کردم و برایش فهرست نوشتم. از قرن چهارم، پنجم شروع کرده. این خدمات علماست که در این کتاب ۱۲۱ نفر را ذکر کردند. از علمایی که به شهادت رسیدند. تعدادی از آنها را زنده - زنده در آتش سوزاندند و در مورد بعضی است به اینکه «اکلوا لحمه تنقوا شعره» حتی گوشتشان را خوردند و موهای بدنشان را کردند. کسی که این شعر را گفت بآل محمد عرف الثواب / و فی ایباتم نزل الکتاب / علی در و ذهب مصفی / و باقی الناس کلهم التراب / هو البکاء فی المحراب

مستضعفین از چنگال مستکبرین است. چون استکبار از چند جهت مستضعفین را استضعاف می کند. استضعاف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی استضعاف رسانه ای و اخباری. اگر قیامی صورت بگیرد که این مستضعفینی که به این ترتیب حقوقشان پایمال شده و زیر چکمه ی استکبار کوبیده شدند این یک نوع جهاد است. که این آیه به آن دلالت دارد و آیت الله طباطبایی در تفسیر المیزان جلد چهارم در تفسیر این آیه توضیح بسیار لازم و جالبی دارند که این یک نوع جهاد است که اسلام مسلمانان را دعوت می کند که این طور قیام کنند. بعد پشت سرش دارد که [الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا] عجیب این است که ذیل این آیه این است [فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا] آیات قرآن را وقتی پشت سر هم کنیم خیلی مطلب می فهمیم تا به تنهایی. پشت سر آیه ی نجات مستضعفین از دست مستکبرین می گوید کسانی که مستکبرند و مسلمان ها و غیر مسلمان ها را به استضعاف کشانند اینها اولیاء شیطانند. [فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا] امروز با توفیق پروردگار یک نوع از جهاد که یستفاد از قرآن و اخبار که نهضت و قیام برای نجات مستضعفین از چنگال مستکبرین را بحث کردیم. ان شاء الله برای فردا.

لیلاً / هو الضحاک اذا اشتدَّ الضرابُ/ او را زنده زنده سوزانند. خلاصه وقتی انسان این کتاب را مطالعه کند که مجموع شهداء الفضیله ۱۲۱ نفر است که ۳۹ نفر به دست اهل تسنن کشته شدند مثل شهید اول و ثانی. ۳ نفر به دست اسماعیلیه کشته شدند. ۳ نفر را ملامده کشتند. یعنی زندیق ها و کسانی که خدا را قبول ندارند. ۵ نفر شهداء مشروطه که یکی از آنها شیخ فضل الله نوری است. ۲ نفر را وهابی ها، ۲ نفر را بابی ها کشتند. که یکی شیخ محمد قزوینی، شهید ثالث در قزوین موقع نماز صبح. ۵ نفر را نادر شاه کشته. چون نادر شاه تسنن را تقویت می کرد. ۲ نفر را بدخواهان دشمنان اصلاحات کشتند مثل محقق کرکی که در زمان صفویه خیلی به اسلام خدمت کرد. ۱ نفر را خوارج کشتند. ۱ نفر را صوفی ها کشتند. ۱ نفر را ارمنی ها کشتند. چند نفر را کمونیست ها کشتند. چند نفر را هم راهزن ها و امثال آنها کشتند. خلاصه از این قبیل جهادها. ولی فقهایی ما طوری جهاد را مطرح کردند که همه اینها از حیطة ی جهاد فقه ما خارج است.

ما درباره ی اهداف و اقسام جهاد بحث می کنیم تا ببینیم چند مورد می شود. یکی قیام برای نجات مستضعفین از چنگال مستکبرین. در سوره ی نساء خداوند این طور فرمودند [فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ] اول مقاتله را می گوید بعد ما خواهیم گفت که جهاد با جنگ خیلی فرق دارد. هم از لحاظ هدف، هم از لحاظ لشکر و هم از لحاظ نتیجه. بعضی خیال می کنند جهاد یک نوع جنگ است. جنگ های معمول بشری با جهاد خیلی فرق دارد. این مقدمه ایست برای جهاد برای نجات مستضعفین [فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ] "بَشْرُونَ" یعنی بیبوعون. باید آن مجاهدین به این اندازه در ایمان قوی باشند که حیات دنیا را در برابر آخرت بدهند. [وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا] این آیه ۷۴ از سوره نساء سوره ی چهارم قرآن است. بعد پشت سرش [وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ] شما را چه شده است که در راه خدا قتال نمی کنید. (مستضعفین) عطف به جای (الله) است. تا مستضعفین را از چنگال مستکبرین نجات دهید. [الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا] آنهايي که می گویند پروردگارا ما از این مکانی که در آن ظلم است و ما در ورطه ی ظلم قرار گرفتیم. [وَجَعَلْنَا لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا]. [فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ].

امام (رضوان الله علیه) یک جلد از دفتر تبیانسان که ۵۰ جلد است مربوط به استضعاف است. عقیده شان این است که قیام ما نجات